

## دیدگاههای ۳۳ تن از بزرگان امامیه درباره اعتبار احادیث شیعی

[نکته‌های پژوهشی - ۵]

\* حجت الاسلام مرتضی فرج پور\*

**چکیده:** درباره مبانی ارزیابی اعتبار احادیث کتابهای حدیثی شیعه، دانشمندان امامی - از فقیه و متكلّم و مفسّر و محدث - سخنانی گفته‌اند. بسیاری از آنان عقیده دارند که ارزیابی سندی، تنها عامل در بررسی اعتبار حدیث نیست. نگارنده در این مقاله، دیدگاههای ۳۳ تن از دانشمندان شیعه را - از قرن چهارم تا دوره اخیر - در این زمینه آورده است که در این میان آنان، بزرگانی مانند شیخ مرتضی انصاری، مولی محمدباقر و حیدر بهبهانی، مولی محمد تقی مجلسی و علامه محمد باقر مجلسی رامی توان یافت.

**کلید واژه:** احادیث شیعه - ارزیابی / کتابهای حدیثی - اعتبار / اعتبار حدیث - دیدگاه عالمان شیعی.

### مقدمه

۱. در مورد ارزیابی حدیث و توصیف حدیث به عنوان «صحیح»، دو دیدگاه کلی میان علمای شیعه وجود دارد: دیدگاه قدماء و دیدگاه متأخران.

---

\*. محقق و مدرس، حوزه علمیّة قم.

قدما، نوع احادیثی را که در کتب معتبره آمده است، «صحیح» می‌دانستند، با ادله خودشان. از جمله اینکه برخی از اصول چهارصدگانه به محضر ائمه علیهم السلام عرضه شده و امامان معصوم بر آنها صحّه گذارده بودند. یک مبنای دیگر، این بود که یک حدیث در دو یا چند اصل نقل شود. و مبانی دیگر که در ادامه گفتار به تفصیل خواهد آمد.

۲. متأخران، علاوه بر آن، به سند حدیث نیز توجه می‌کنند، آن هم با توجه به تقسیمی که از زمان علامه حلی رواج یافت. در این نگاه سند محور، غالباً به متن نیز توجه می‌شود (کاری که اغلب فقهای امامیه انجام می‌دهند).

۳. برخی از حدیث‌پژوهان، چنان در سند محوری افراده‌اند که توجه به متن حدیث و قرائن موجود در متن را از یاد برده‌اند. آنان با این نگاه ویژه، خود را از بسیاری از حقایق احادیث امامیه محروم ساخته‌اند؛ گاهی به این بهانه که دیدگاه اول را مختص علمای اخباری می‌دانند و سندمحوری محض را وسیله‌ای برای گریز از نگرش اخباری قلمداد می‌کنند.

۴. در این گفتار، مطالبی از ۳۳ عالم، فقیه، محدث، متکلم و مفسر امامی آمده که ضرورت توجه به متن حدیث را در کنار بررسی سندی گوشزد می‌کند. این عالمان، از قرن چهارم تاکنون همه بر این نکته پای فشرده‌اند که مبادا خود را به بهانه سندمحوری محض، از حقایق فراوان و بیماندی که در احادیث امامیه آمده، محروم کنیم.

۵. مطالب این بزرگان به ترتیب زمانی مرتب شده است. به دلیل اینکه مخاطب این نوشتار، فضلاً و پژوهشگران علم‌الحدیث هستند، از ترجمه عبارات خودداری شد. نیز در برخی موارد، سخن به اجمال و ارجاع برگزار شد که امید است در فرصت‌های دیگر، به تفصیل و تکمیل مطالب اقدام شود.

## سید مرتضی (۴۳۶-۳۵۵)

منتقی الجمان، ج ۱، ص ۲-۳، الهدایة، ص ۱۶۷.

قال المرتضی رضی الله عنہ:... إن أكثر أخبارنا المرویة في كتبنا معلومة مقطوعة بصحتها، إما بالتواتر من طريق الإشاعة والإذاعة أو بأماراة وعلامة دلت على صحتها.

## محقق حلّی (۶۰۲-۶۷۶)

المعتبر، ج ۱، ص ۲۹.

وكل هذه الأقوال منحرفة عن السنن والتوسط أصوب. فما قبله الأصحاب أو دلت القرائن على صحته، عمل به. وما أعرض الأصحاب عنه أو شدّ يجب إطراه.

## شهید اول (۷۳۴-۷۸۶)

ولا يضرّ الإرسال، فإن الكليني - رحمة الله - ذكرها في الكافي والشيخ في التهذيب. (ذكری، چاپ سنگی، بحث استخاره، ص ۲۵۲. و نیز به نقل از آن: محدث نوری در مستدرک الوسائل چاپ سنگی، ج ۳، ص ۵۳۲؛ چاپ حروفی، ج ۲۱، ص ۴۶۵)

## شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵)

۱. محدث قمی در تحفة الاحباب، ذیل یونس بن عبد الرحمن میگوید: و عن الشهید الثاني: أورد الكشی فی ذمہ نحو عشرة أحادیث و حاصل الجواب عنها يرجع إلى ضعف بعض سندها و جهالة بعض رجالها. (تحفة الاحباب، ص ۵۸۶، رقم ۷۶۳)

## میرداماد (۹۷۰-۱۰۴۱)

۱. قد يُحکم بصحّة المتن مع كون السند ضعيفاً. (الرواشح، ص ۱۹۳)  
۲. اذا وجدت حدیثاً بأسناد ضعيف، فلا يسوغ لك أن تقول أنه ضعيف المتن بقول مطلق و يعني بالإطلاق ضعف الإسناد والمتن جميعاً بل إنما لك أن تصرّح بأنه

ص ۲۰۳، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ق)

### مولی محمد تقی مجلسی (۱۰۰۳-۱۰۷۰)

۱. از کتب صدوق ظاهر می‌شود که حدیث غیرصحیح را در کتابهای خود نقل ننموده است. (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۱)
۲. چون شهادت این دو نفر [کلینی و صدوق] کمتر از شهادت اصحاب رجال نیست، یقیناً، بلکه بهتر است... (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۵)
۳. کافی و ابن بابویه حکم به صحّت این اخبار نموده است. و صحّتی که ایشان می‌گویند، آن است که یقیناً معصوم فرموده است. (لوامع، ج ۱، ص ۱۸۸)
۴. اکثر اینها [...] به اعتقاد بنده صحیح است، ولکن به قانون متأخرین، این نحو ذکر می‌کنم. (لوامع، ج ۲، ص ۱۱۱ و ۴۱۱)
۵. اصول اربعائیه به محضر معصومین - سلام الله عليهم - عرضه می‌شد. (لوامع، ج ۶، ص ۵۴۶)
۶. ذکرناها علی قوانین الأصحاب، و إلا فالظاهر صحّة أخبار الكافي و الفقيه جمیعاً. (روضۃ المتقین، ج ۷، ص ۸۳-۸۴)

### ملاصدرا (۹۷۹-۱۰۵۰)

۱. هذا الحديث وإن كان ضعيف السنّد - لوقوع الضعفاء مثل سهل بن زياد ومفضل بن صالح وغيرهما في طريقه - إلا أن ذلك لا يقدح في صحّته، لأنّه معتمد بالبرهان العقلي. وكذلك كثير من الأحاديث الواردة في أصول المعارف ومسائل

۱. علامه محمد تقی مجلسی اول، در روضۃ المتقین، شواهد فراوانی در این زمینه آورده است. ایشان، ذیل موارد فراوانی که شیخ صدوق مرسی یا به سنّد ضعیف آورده، می‌نویسد: «رواہ الكلینی فی الكافي صحیحاً» یا «رواہ الشیخ فی التهذیب موتفقاً» و نمونه‌های فراوان در این زمینه در آن کتاب آمده است.

التوحيد وغيره. (شرح اصول کافی، چاپ سنگی محمودی، ص ۱۸، ذیل کتاب العقل و الجهل، ح ۲)  
۲. ذیل حدیث جنود عقل و جهل که به طور مرفوع روایت شده، وصف بلیغی  
در ارزش آن حدیث دارد که اهل تحقیق بدان مراجعه کنند. (همان، ص ۲۶، ذیل کتاب  
العقل و الجهل، ح ۱۲)

۱۵۲

### مولی محمد صالح مازندرانی (۱۰۸۶-

۱- اعلم أنَّ الحديث - وإن كان ضعيفاً بأسانيده الثلاثة عند المتأخرین - لكنه غير  
مضلل، لأنَّه أثر الصحة في مضمونه لايح، مع تأييده بالعقل و النقل. (شرح الكافی، ج  
۱۱، ص ۱۴۱، چاپ اسلامیه، ذیل کتاب الروضۃ، ح ۱)

### مولی محمد بن علی اردبیلی (۱۱۰۱-

اعلم أنَّ الشيخ الطوسي - قدس الله سره - صرَّح في آخر التهذيب والاستبصار بأنَّ  
هذه الأحاديث التي نقلناها من هذه الجماعةأخذت من كتبهم وأصولهم، والظاهر  
أنَّ هذه الكتب والأصول كانت عنده معروفة كالکافی و التهذيب. و غيرهما عندنا  
في زماننا هذا كما صرَّح به الشيخ محمد بن علی بن بابویه - رضی الله عنه - في أول  
كتابه من لا يحضره الفقيه. فعلى هذا لو قال قائل بصحَّة هذه الأحاديث كلُّها وإن كان  
الطريق إلى هذه الكتب والأصول ضعيفاً إذا كانوا مصنفوا هذه الكتب والأصول وما  
فوقها من الرجال إلى المعصوم ثقات، لم يكن مجازاً. (جامع الرواه، ج ۲، ص ۵۴۸)

### علام محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰-۱۰۳۷)

۱. ایشان بارها بر این نکته تأکید می ورزد که حدیثی با وجود ضعف سند،  
مضامین آن صحیح است.  
نک: اربعین، ص ۳۳۶، ۳۶۶، ۴۷۱، ۴۹۷، ۴۷۹، ۵۰۹.  
مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲.  
۲. ذیل احادیث متعددی در کافی و تهذیب می نویسد:

«ضعيف على المشهور معتمد عندي» يا «ضعيف على المشهور معتبر عندي» نك: مرآة العقول، ج ١، ص ١٤٢؛ ج ٣، ص ١٥٣؛ ج ٧، ص ٣٦٨ و... نيز ملاذا الاخيار، ج ١٢، ص ٤٨٨؛

ج ١٣، ص ١٧٢.

٣. در مورد زیارت جامعه کبیره می فرماید: نفس هذه الزيارة شاهد عدل على صحتها. (ملاذا الاخيار، ج ٩، ص ٢٤٧)

٤. خطبة الوسيلة [ضعيف]، لكن هذه الأخبار، قوّة مبنيّها ورفعه معانّيها تشهد بصحتها ولا تحتاج إلى سند. (مرآة العقول، ج ٢٥، ص ٣٥)

٥. [در مورد خطبة طالوتیه] ضعيف على مصطلح القوم، لكن بلاغة الكلام وغرابة الأسلوب والنظام تأبی عن صدوره عن غير الإمام علیہ السلام. (مرآة العقول، ج ٢٥، ص ٧٠)

٦. حديث «ثلاثة لا ينظر إليهم...» را در مرآة العقول، ج ٤، ص ١٩٣-١٩٤ (طبق مبنيّ متأنّرين) مجهول دانسته، ولی خود در حق اليقين، ص ٥٢٠ ونظم اللئالي، ص ٢٢٢، همان حديث را به «سند معتبر» دانسته است.

٧. الصدوق أعرف بصدق الأخبار والوثوق عليها من ذلك البعض... بل ليس جرم أكثر المقدوحين من أصحاب الرجال إلا نقل مثل تلك الأخبار. (بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٨٢)

٨. در مقدمه شرح صحیفه گوید:  
اعلم أن علماءنا السلف -رضوان الله عليهم- لم يهتموا بضبط أسانيد الدعوات و تکثیرها، اهتمامهم بها فيسائر العبادات والأحكام لأمور...  
الثالث: أن كثيراً من الدعوات تشهد فصاحة عباراتها و غرابة أساليبها على كونها صادرة من معادن النبوة والخلافة، بل لا يجوز ذوفطرة سليمة و فطنة قوية صدورها عن غيرهم علیہ السلام و أدعيه الصحيفة كذلك كما لا يخفى.  
مع أنها لاشتهارها مستفيضة، بل متواترة معلومة الصدور عنهم صلوات الله

عليه؛ كما أنّ سائر الكتب المشهورة معلوم الانتساب إلى مؤلفيها، مع قطع النظر عن أنّ الطرق من علمائنا إليها كثيرة مذكورة في كتب الإجازات، ونقل الأدعية منها الشيخ و غيره من أكابر القوم و لكلّ من العلماء إليها طريق عن مشيختهم...  
إذا عرفت هذا، فاعلم إنّهم إنما ذكروا سندًا واحدًا في أول الصحيفة، لاتصال السند اعتماداً على اشتهرها؛ فلابينظر إلى حال رجال سندها، ولا يضرّ جهالة بعضهم. (الفرائد الطريقة في شرح الصحيفة الشريفة، چاپ اصفهان: مكتبة العالمة المجلسي، ١٤٠٧ق، ص ٩٧)



### سید نعمة الله جزائري (١١١٢-١٠٥٠)

١. در مورد سند صحیفه سجادیه می‌نویسد:

أبوالحسين محمدبن الحسن حالة مجهول في الرجال، كحال الخازن والخطاب والبلخي. وهو غير قادر لتواتر هذه الصحيفة الشريفة بين الخاصة والعامة، حتى أنَّ الغزالى و غيره سموها إنجيل أهل البيت و زبور آل محمد عليهم الصلوات. وإنما زينها أصحابنا - رضوان الله عليهم - مسندة، تيمناً و تبركاً باتصال روایتها بالمعصوم علیه السلام مع أنَّ هؤلاء من المشايخ الإجازة لامن أهل الرواية، فلا يضر جهالة حاليهم. مع أنَّ إعجاز أساليبها و بلوغها الغاية القصوى من البلاغة، شاهدان عدلان على أنها إنما صدرت من تلك الأنفاس القدسية والنفحات السبحانية. (حاشية محدث جزائري بر صحيفه سجادیه، نسخه خطى ٥٤٨١ کتابخانه مجلس به نقل: سفينه، شماره ٩، ص ١٠١)

٢. درباره احادیث توحید صدوق گوید:

اعلم أنَّ أسانيد الأخبار المذكورة في هذا الكتاب، وإن كان أكثرها غير نقى بالاصطلاح الجديد، لكن هذا لا يقدح فيها من وجوه: منها: إنها صحيحة باصطلاح المتقدمين؛ فإنَّ الصحيح عندهم ما تكرر في كتب الأصول الأربعائية أو الكتب، او ما قامت لهم قرينة على صحته و صدوره عن الإمام علیه السلام، وإن كان رواته فاسدي العقيدة، بينما الأخبار التي يرويها الصدوق طاب

ثراه في مؤلفاته، فإنه يتعهد بوضوح أسانيدها عنده.

و منها: أن أكثر هذه الروايات الواردة في الأصول مأخوذة من كلام سيد الموحدين عليه السلام، و طبقات فصاحتها شاهد عدل على صحتها، وإن وصلت إلينا على طريق الإرسال.

و منها: أن الأخبار المرويّة في هذا الكتاب أكثرها موافق لما في الكافي، و هي هناك مذكورة بالطرق المعتبرة، فلا يضرّها أنها غير صحيحة بطرق المجتهدين. (نور

البراهين، ج ١، ص ٤٦-٤٧) ذيل باب ١ كتاب التوحيد)

٣. لا ريب أنَّ كلمات هذه الخطبة و ينبعوْنَ هذه الفصاحة لايصدر إلا عن أمير المؤمنين عليه السلام، فلا حاجة لها إلى تفاوت السنّد، بل الطريق في أمثالها إنما هو للتّيمّن والتّبرّك ورعايّة العنّعة.

(همان كتاب، ج ١، ص ٩٥-٩٦) ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب التوحيد و نفي التشبيه، ح ٢)

٤. هذه الخطبة أكثر كلماتها مأخوذة من خطب أمير المؤمنين عليه السلام، فلا يقدح فيها عدم نقاوة الطريق. (همان كتاب، ج ١، ص ١٢١) ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب التوحيد و نفي التشبيه، ح ٣)

٦. قال شيخنا المحقق (= علامه مجلسى) أبقاء الله تعالى: هذا الخبر مأخوذ من الكافي، وفيه تغييرات عجيبة تورث سوء الظن بالصدق و أنه إنما فعل ذلك ليوافق مذهب أهل العدل...

أقول: لعل الصدوق - رحمة الله - نقل هذه الرواية برواية الكليني لكن من غير الكافي، إنما من محفوظاته أو من باقي كتبه، و إلا فنسبة التحريف في الخبر ليوافق المذهب، مما لا يمكن نسبته إلى الصدوق. (همان كتاب، ج ٢، ص ٢٨٢) ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب السعادة و الشقاوة، ح ١)

## سید علی خان مدنی (۱۰۵۲-۱۱۲۰)

۱. لما كانت نسبة الصحيفة الشريفة [السجادية] إلى صاحبها ثابتة بالاستفاضة التي كانت تبلغ حد التواتر، لم يقدر في صحتها الجهل بأحوال بعض رجال إسنادها. (رياض السالكين، ج ۱، ص ۵۸)

## مولی ابوالحسین فتونی عاملی (۱۰۷۰-۱۱۳۸)

۱. ایشان در سال ۱۱۰۵ رساله‌ای نوشته تحت عنوان «تنزیه القمیین عن المطاعن». این رساله با تحقیق کاظم جواهری در مجله تراشنا شماره ۵۲ (۱۴۱۸) ص ۲۴۲-۲۶۳ چاپ شده است. ایشان در این رساله، به کلام یکی از بزرگان پاسخ داده که گفته بود: «محمدثان قمی به جز صدوق، مجبره و مشبهه بوده‌اند و یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان به قیاس عقیده داشته، بدان عمل می‌کرند.» در صفحه ۲۳۶ پس از ذکر ادله در تأیید محمدثان قمی می‌نویسد: جرح این همه عالم، شهادت یک عادل واحد است که در برابر این همه معارض اعتبار ندارد.

۲. ایشان بحثی مفصل در مورد غلو در مقدمه تفسیر مرآة الانوار (ص ۵۹-۶۹) چاپ اسماعیلیان) مطرح کرده که بسیاری از مصاديق غلو را که در کتابهای رجالی آمده، نقد و بررسی می‌کند. به آن رجوع شود.

## مولی محمدباقر و حیدر بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۶)

۱. و المحقق في المعتبر [...] بالغ في التشنيع على من اقتصر على الصحيح. (الفوائد الحائرية، ص ۴۸۸)

۲. بل الصحيح لا يعارض المنجبر المذكور، كما هو المعروف المشهور من فقهائنا المتقدمين والمتاخرین، و حققناه وأثبناه في ملحقات الفوائد الحائرية. (مصابيح الظلام، ج ۱، ص ۱۰۲)

۳. ... وأيضاً منجبرة بفتوى المتقدمين والمتاخرين. (همان، ج ۳، ص ۱۱۶)

٤. ولا يضر الإرسال، أما أولاً ... حماد ممن أجمعوا العصابة على تصحيح ما يصح عنه. وأما ثانياً فلإنجبارها بالشهرة العظيمة. (همان، ج ٣، ص ٢٦٠)
٥. وهذه الروايات، وإن كانت ضعيفة الإسناد، إلا أنها منجبرة بالقواعد الشرعية وعمل الأصحاب... والمنجبرة أقوى من الصحيحة. (همان، ج ٣، ص ٢٩٥)
٦. وهذه الرواية لاتقتصر عن الصحيح لو لم يكن أقوى منها، لوجودها في الكتب المعتبرة عن الكليني و الصدوق و الشيخ، مع أن الكليني و الصدوق قالا في أول كتابيهما ما قالا. (همان، ج ٥، ص ٥٠٨)
٧. و قصور السندي بابن فضال، والإرسال غير مضر، بعد الانجبار بعمل أكثر الأصحاب. (همان، ج ٦، ص ٤٤)
٨. در کتاب الفوائد الحائریة، فائدة ٢٢، حدود چهل وجه در اعتبار حدیث می شمارد.<sup>۱</sup>
٩. بل الخبر المنجبر بعمل الأصحاب، أقوى من الصحيح - من حدیث هو الصحيح - بمراتب شتى، وبالقبول أخرى. وبناء الفقهاء في الأعصار والأمصار كان كذلك إلى زمان صاحب المدارك. (الفوائد الحائریة، ص ١٤٣)
١٠. عند معارضه الضعيف المنجبر مع الصحيح الغير المنجبر، يرجح ذلك الضعيف على ذلك الصحيح كما سترعرف. (الفوائد الحائریة، ص ٤٨٧-٤٨٨)
١١. مما ذكر ظهر أيضاً أنه إذا وقع التعارض بين الضعيف المنجبر بالشهرة و الصحيح الغير المنجبر، يكون الضعيف مقدماً عليه كما هو طريقة القدماء و أكثر المتأخرین. (الفوائد الحائریة، ص ٤٩١)
١٢. بل وربما كانت مثل الرواية بالمعنى ونظائرها سبباً [أي للتضييف]، ولعل من أسباب الضعف عندهم قلة الحفظ وسوء الضبط، و الرواية من غير إجازة، و

۱. ترجمه این گفتار در نوشتاری تحت عنوان «بحث در برآره ضوابط ارزیابی احادیث» در سفینه شماره ۱۸، ص ۱۷۶-۱۸۷ آمده است. (ویراستار)

الرواية عمّن لم يلقه، واضطراب الفاظ الرواية...

وكذا نسبة الغلو عندهم، حتى تراهم أن نفي السهو عنهم عليهم السلام غلو، بل ربما جعلوا نسبة مطلق التفويض إليهم، أو المختلف فيه، أو الإغرار في تعظيمهم، ورواية المعجزات عنهم و خوارق العادات لهم، أو المبالغة في تنزيتهم من النقص، وإظهار سعة قدرتهم، وإحاطة العلم بمكانت الغيب في السماء والأرض، ارتفاعاً موجباً للتهمة.

(القواعد البهائية، ص ۸، ذيل رجال الخاقاني، ص ۳۷، بنگرید: هامش مقابس الهدایة، ج ۲، ص ۲۹۷)

[به نقل: مقدمة التحقيق كتاب الوصية عيسى بن مستفاد، چاپ مکتبة امیرالمؤمنین عليهم السلام، مشهد، ص ۲۵-۲۶]

موارد فراوانی به این مضمون در مصابیح الظلام هست. بنگرید: ج ۱۰، ص ۴۷۲،  
۴۰۰، ۵۱، ۴۱۲، ۷۳، ۲۴،

ج ۵، ص ۳۲۸، ۳۲۵

ج ۴، ص ۲۶۴، ۹۳، ۴۲۲

ج ۳، ص ۲۶۰، ۱۱۶

ج ۲، ص ۴۰۸

ج ۸، ص ۵۰۸

نقل قول از وحید بهبهانی در مستدرکات علم الرجال مرحوم نمازی ۶۱/۱.

مولی مهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹)

۱. وإن كانت ضعيفة إلا أنّ الرواية معتبرة لوجودها في الأصول المعتبرة. (مستند الاحكام، ج ۱۷، ص ۳۳۴)

۲. ولا يضرّ ضعف الروايات بعد وجودها في الأصول المعتبرة. (همان، ج ۱۵، ص ۳۱)

۳. للمروري في المصباح المنجبر ضعفه بالاشتهر. (همان، ج ۱۵، ص ۱۶۱)

٤. و وصف الروايتين بعدم الصحة - مع أنه غير ضائز عندنا مع وجودهما في الأصول المعتبرة و انجبارهما بالإجماع المحقق و المحكى مستفيضاً... غير جيد.

(همان، ج ١٧، ص ١٧)

٥. وتضعيف هذه الرواية - مع انجبارها بما مر حتى اشتهرت بالمقبولة - غير جيد أيضاً... هذا مع أنّ في السند قبلهما صفوان بن يحيى، وهو ممّن نقل إجماع العصابة على تصحيح ما يصحّ عنه. (همان، ج ١٧، ص ١٩)

### سید علی طباطبائی (١١٦١-١٢٣١)

١. المعتبرة المنجبرة قصوره بالجهالة، بعمل الطائفه. (رياض المسائل، ج ١٣، ص ٤٨٢) در اینجا قانونی کلی بیان می دارد که: حدیثی را که علما به آن اعتنا و اعتماد کرده اند، گرچه سندش مجهول و ضعیف باشد، معتبر شمرده می شود.
٢. مضافاً إلى الخبر المنجبر قصوره أو ضعفه بالعمل. (همان، ج ٥، ص ١٠)

### سید عبدالله شیر (١١٨٨-١٢٤٢)

١- فهی [ =الزيارة الجامعة] کسائر کلامهم، الذي يعني فصاحة مضمونه و بلاغة مشحونه عن ملاحظة سنته، كنهج البلاغة و الصحيفة السجّادية و أكثر الدعوات و المناجاة. (الأثار الامعة، طبع امين، ص ١٤)

### محمد حسین اصفهانی (١٢٥٤-)

ایشان در باب تعدد الفاظ ذم گوید: و منها قولهم: ضعيف، أو ضعيف الحديث. وهو غير صريح في التفسير، لجواز أن يكون التضعيف من جهة الاعتماد على المراسيل، كما هو الظاهر من الأخير، ولو صرّح بذلك لم يقدح قطعاً، وإن عدّ بعضهم قادحاً، كما عن كثير من القميّن. الفصول الغرويّة، ص ٣٠٤ [بنگرید: هامش منتهی المقال، ج ١، ص ١١٣]

[به نقل: مقدمة التحقيق كتاب الوصية عيسى بن مستفاد، چاپ مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، مشهد، ص ۲۵]

### شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱-۱۲۱۴)



۱. ایشان درباره حدیثی که سندش ضعیف باشد، می‌گوید: اگر کسی از سلیقه و رویه محدثان قم آگاه باشد که آنان خبر ضعیف را - در حالتی که محفوف به قرائی نباشد - نقل نمی‌کردن... فهذا ممّا یوجب اعتبار فی الجملة. (مکاسب محرم، آخرين صفحه از چاپ تبریز)

۲. إنَّ السَّيِّدَ (الشَّرِيفَ الْمُرْتَضَى) يَدْعُ تَواتِرَهَا (أَحَادِيثَ) أَوْ احْتِفَافَهَا بِالْقَرِينَةِ الْمُفَيِّدَةِ لِلْعِلْمِ، كَمَا صَرَّحَ بِهِ فِي مُحْكَيِّ كَلَامِهِ فِي جَوابِ الْمَسَائلِ التَّبَانِيَاتِ مِنْ أَنَّ أَكْثَرَ أَخْبَارِنَا الْمَرْوِيَّةِ فِي كِتَابِنَا مَعْلُومَةً مَقْطُوعَةً عَلَى صَحَّتِهَا إِمَّا بِالتَّوَاتِرِ أَوْ بِأَمَارَةِ وَعَلَمَةٍ تَدَلُّ عَلَى صَحَّتِهَا وَصَدَقَ رَوَاتِهَا فَهِيَ مَوْجَةٌ لِلْعِلْمِ مُفَيِّدَةٌ لِلْقُطْعِ وَإِنْ وَجَدْنَاهَا فِي الْكِتَابِ مُوَدَّعَةً بِسِنْدٍ مُخْصُوصٍ مِنْ طَرِيقِ الْأَحَادِيدِ. (رسائل، ص ۹۲، چاپ سنتگی، ۱۳۲۶ قمری، خط مصطفی نجم‌آبادی؛ افسٰت مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری)

.... وَلَا يَخْفَى أَنَّ شَهَادَةَ مُثْلِ هَذَا الْمُحدَّثِ الْغَرَّاصِ فِي بَحَارِ أَنْوَارِ أَخْبَارِ الْأَئْمَةِ الْأَطْهَارِ عَلَى لَعْنَةِ الْمُؤْمِنِ لِعَمَلِ أَصْحَابِ الْأَئْمَةِ بِالْخَبَرِ الْغَيْرِ الْعَلْمِيِّ وَدُعْوَاهُ بِهِ حَصْولِ الْقُطْعِ لِهِ بِذَلِكَ مِنْ جَهَةِ التَّوَاتِرِ، لَا يَقْصُرُ عَنْ دُعَوَى الشِّيْخِ وَالْعَلَمَةِ الْإِجْمَاعِ عَلَى الْعَمَلِ بِأَخْبَارِ الْأَحَادِيدِ وَسِيَّا تِيْ أَنَّ الْمُحدَّثَ الْحَرَّ الْعَالَمِيَّ فِي الْفَصُولِ الْمُهِمَّةِ ادَّعَاهُ اِيْضاً تَوَاتِرَ الْأَخْبَارِ بِذَلِكَ.

وَمِنْهَا [دَلَائِلُ عَمَلِ بِهِ خَبَرٌ وَاحِدٌ] مَا ذَكَرَهُ شِيخُنَا الْبَهَائِيُّ فِي مَشْرِقِ الشَّمْسِيْنِ: اَنَّ الصَّحِيحَ عِنْدَ الْقَدِمَاءِ مَا كَانَ مَحْفُوفًا بِمَا یوجَبَ رَكُونَ النَّفْسِ إِلَيْهِ.

... وَلَيْسَ هَذَا مُثْلِ الصَّحِيحِ عِنْدَ الْمُتَأْخِرِينَ... فَالْمَرْادُ أَنَّ الْمُقْبُولَ عِنْهُمْ مَا تَرَكَنَ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَتَشَقَّ بِهِ... (رسائل، چاپ افسٰت مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری، ص ۹۸)

وَمِثْلُ مَا فِي الْاحْتِجاجِ عَنْ تَفْسِيرِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَمِنْهُمْ أَمْيَّونَ

لا يعلمون الكتاب الآية» من أنه قال رجل للصادق عليه السلام: فإذا كان هؤلاء القوم من اليهود والنصارى... إلى أن قال... أولئك أضر على ضعفاء شيعتنا من جيش يزيد - لعنة الله عليه - على الحسين بن علي عليهما السلام. انتهى.

دل هذا الخبر الشريف، اللاح منه آثار الصدق على جواز قبول قول من عرف بالتحرّز عن الكذب... (رسائل، ص ٨٥-٨٦)

**میرزا ابوالفضل تهرانی (١٢٧٣-١٣١٦)**

١. صدوق، به نحو ارسال - که کمتر از غالب مسانید نیست - ... (شفاء الصدور، ص ٢٨٥، طبع سنگی، ٤٠٠/١؛ بنگرید: ص ٣٩٤، طبع سنگی، ١٦٧/٢، چاپ دوجلدی)

٢. [سنند زیارت عاشورا] بر مبنای قدماء سنند صحیح است. و بر مبنای متاخرین، یا صحیح است یا حسن و بر مبنای من، حجت می باشد. (شفاء الصدور، ص ٤٨-٤٧، چاپ سنگی و ٧٢-٦٤/١ چاپ دوجلدی)

**حاج آقا رضا همدانی ( - ١٣٢٢)**

١. اعتماد کلینی و صدوق، اطمینان بخش تراز توثیق دانشمندان رجال است. وكيف كان فالرواية بحسب الظاهر من الروايات المعتبرة التي لا يجوز ردّها من غيرعارض مكافئ إذ ليس المدار عندنا في جواز العمل بالرواية على اتصافها بالصحة المصطلحة، وإنّا فلا يكاد يوجد خبر يمكننا إثبات عدالة رواتها على سبيل التحقيق، لولا البناء على المسامحة في طريقها، و العمل بظنون غير ثابتة الحجّيّة. بل المدار على وثاقة الراوي، أو الوثوق بصدر الرواية، و ان كان بواسطه القرائن الخارجيه التي عمدتها كونها مدونة في الكتب الأربعه، أو مأخوذة من الأصول المعتبرة مع اعتناء الأصحاب بها، و عدم إعراضهم عنها، ولا شبهة في أنّ قول بعض المركّبين بأنّ فلاناً نقة أو غير ذلك من الألفاظ التي اكتفوا بها في تعديل الرواية لايؤثر في الوثوق أزيد مما يحصل من إخبارهم بكونه من مشايخ الإجازة، وأجل

ماتقدّمت الإشارة إليه جَرَت سيرتي على ترك الفحص عن حال الرجال، والاكتفاء في توصيف الرواية بالصحة، كونها موصوفة بها في ألسنة مشايخنا المتقدّمين التي تفَحَّصوا عن حالهم. (مصابح الفقيه، كتاب الصلة، چاپ سنگی، ص ۱۲؛ چاپ حروفی، ج ۹،



٢. تضعيف مثل هاتين الروايتين منافٍ لما هو الحق، و عليه المحقق من أنَّ كُلَّ ما قبل الأصحاب من الروايات، فهو مقبول وإن ضعف سنته. (مصابح الفقيه، كتاب الطهارة، چاپ سنگی، ص ۳۵۹)

### سید محمد تقی موسوی اصفهانی (١٣٤٨-١٣٠١)

قال المتأخرون من المجتهدين: الخبر الصحيح ما كان راويه في كل طبقة عدلاً امامياً. وقال المتقدّمون: هو ما حصل الاطمئنان بتصوره عن المعصوم. و مرادي بال الصحيح في هذا الباب (باب اول از کتاب مکیال المکارم) هو المعنى الاول، وكلما عبرت فيه: بسند كال صحيح أو الصحيح على بعض الوجوه، فهو الصحيح بالمعنى الثاني.

(مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۸، ط مؤسسه الإمام المهدي طیف، ۱۴۲۲، در پایان باب اول کتاب)

### میرزا محمد حسین نائینی (١٣٥٥-١٢٧٧)

آیت الله خویی می نویسد:

از استادم مرحوم نایینی شنیدم که می گفت: إنَّ المناقشة في أسناد الكافي حرفة العاجز. (معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۹)

### شیخ عباس قمی (١٣٥٩-١٢٩٤)

۱. (در مورد شیخ صدق): اصحاب ما مراسیل او راکمتر از مراسیل ابن ابی عمر نمی دانند.

(تحفة الاحباب، ص ٤٦٩، ذیل نام محمد بن حسین بن بابویه قمی، رقم ٦٢٦)

٢. عيسى بن المستفاد... بعضی علماء او را ضعیف شمرده‌اند، ولکن اعظم شیوخ برکتاب او اعتماد کرده‌اند و از آن کتاب نقل نموده‌اند؛ مانند: ثقة الاسلام

(کلینی) و سید رضی و سید ابن طاووس. (تحفة الاحباب، ص ۳۷۱، رقم ۴۹۷)

٣. محدث قمی در مورد یونس بن ظبیان، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و سپس کلامی از محدث نوری - عطر الله مرقده - در خاتمه مستدرک در پاسخ به آن اقوال نقل می‌کند و طالبین را به آن کتاب شریف ارجاع می‌دهد. (تحفة الاحباب،

ص ۵۸۲-۵۸۳، رقم ۷۶۲)

٤. در مورد مفضل بن عمر جعفی، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و پاسخ آن را به تفصیل داده است. (تحفة الاحباب، ص ۵۱۹-۵۲۱، رقم ۶۸۹)

#### سید محسن امین (۱۲۸۴-۱۳۷۱)

فإن نهج البلاغة لا يحتاج إلى شاهد، بل هو الشاهد بنفسه لنفسه. (اعيان الشيعة، ج ۱،

ص ۷۹)

#### سید محمود امام جمعه زنجانی (۱۳۰۹-۱۳۷۴)

الصحيفة المطهرة القدسية و تعرف بزبور آل محمد و انجيل أهل البيت - سلام الله عليهم - متواترة قطعية الصدور. و ناهيك اشتتمالها على لباب الإلهيات بألفاظ في غاية الفصاحة، يمتنع صدورها عن غير أهل العصمة. و ذلك بحمد الله تعالى عذ من الأولياء عند من له إمام بالإسلام و قدم راسخ في العلوم، حتى أنها أوضحت صدوراً من نهج البلاغة، إذ ربما يتعين في شاذ في غاية الندرة ممن ختم الله على قلبه و جعل على بصره غشاوة، إما لفقدان الاستعداد العلمي و جبلة التحصيل و ملكة النقد أو لغريزة النصب والشقاوة الذاتية. و قد أوضح جملة من علماء العامة صحة انتساب نهج البلاغة و أثبت بالمدارك الحية وجود الخطب في مصنفات ثلاثة من علماء الفريقيين الذين ماتوا قبل مولد السيد رضي الدين بمائة سنة، و بالغ في ذلك

العلامة ابن أبي الحميد المعتزلي في شرحه المعروف في غير موضع من كتابه  
بيانات مختلفة، فراجع.

و بالجملة لم يذكر خلافٌ مَا من أحدٍ في صحة انتساب هذا الصحيفة. ولم ينقل  
ترديد فيه إلى يومنا هذا. فالغرض من ذكر الأسانيد، بعد التبرّك باسماء شيوخ العلم و  
أساطين المعرفة و حملة الدين - سلام الله عليهم - هو حفظ حريم فن الحديث.  
(حاشية نسخة خطى صحيفه سجاديه به خط ايشان، به نقل: سفينة شماره ۷، ص ۱۸۳ و ۱۸۴)

### شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹)

۱. محقق تهرانی توضیح می دهد که اصول اربععائمه به محضر امام رضا و جواد  
سلام الله علیہما - عرضه شده است. (الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۵۱)

وقتی اصول چهارصدگانه به محضر معصوم عرضه شود و کلینی و صدوق و  
امثال آنها، از آن کتابها اخذ کنند، اگر تک تک افراد سند مربوط توثیق نشوند، همین  
صحّه گذاشتمن معصوم حکایت از آن دارد که این راوی توثیق نشده خلاف نگفته  
است.

۲. ایشان رساله‌ای درباره کتاب کافی نوشته و در آن، مبانی متقدمان و متأخران را  
در ارزیابی احادیث آن کتاب بیان داشته، و مبانی ثقة الاسلام کلینی را در آن توضیح  
داده است. متن کامل این رساله با ترجمه فارسی آن در سفینه شماره ۲، ص ۶۷-۷۹  
آمده است.

### سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳-۱۳۹۵)

۱. دعای شریف ندب، شامل اعتقادات حقّه و مستند به معصوم علیه السلام است.  
علامه مجلسی در بحار [الأنوار، ج ۲۲، چاپ سنگی] از طریق سید ابن طاووس از  
شیخ جلیل محمد بن مشهدی - که در کتاب مزار خود نوشته متعهد است که دعاها و  
زيارات اين کتاب را از نقایت روات، از حضرات معصومین علیهم السلام نقل نماید - و در زاد



المعاد از حضرت امام صادق<sup>ع</sup> نقل کرده و علامه نوری در کتاب تحفه الزائر با شرح مفصلی آن را نقل نموده است. بعد از نقل این بزرگواران و اسناد آن به معصوم<sup>ع</sup> اطمینان کامل حاصل می‌گردد و تشکیک بعضی بی‌خبران قابل اعتنا نیست؛ به خصوص که این دعا نزد بزرگان علماء، از قدیم، صحبت آن از مسلمات بوده است؛ همچنان که شیخ بزرگ، مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری - اعلی‌الله مقامه - به بعضی کلمات این دعا استشهاد نموده‌اند. (دیدگاه‌های علمی آیت‌الله سید محمد‌هادی میلانی، به کوشش غلامرضا جلالی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۱۹)

۲. يدلّ عليه ما ذهب إلى المشهور ما رواه في المستدرك عن عوالي اللثالي قال:  
 سُئل الصادق<sup>ع</sup> فقيل له: يابن رسول الله ما حال شيعتكم في ما خصّكم به...  
 [الحديث مستدرک الوسائل، باب ۴ من الأنفال، ح ۳] وهذه الرواية، وإن لم تكن في مجامع الحديث التي عليها العمل، لكنّها توافق مضموماً لما ذهب إلى المشهور من الصدر الأول، وبذلك يحصل ما هو الملاك لحجّة الخبر، وهو الوثوق بصدوره، مضافاً إلى دلالة الروايات الآخر بعمومها التي منها رواية سالم بن مكرم عن أبي عبد‌الله<sup>ع</sup> في حديث يسأل الرجل ...

[الحديث، وسائل، باب ۴ من الأنفال، ح ۴]  
 (محاضرات في فقه الإمامية، ج ۴، مجلد خمس، ص ۲۰۹)

### شیخ علی نمازی شاهروdi (۱۴۰۵-۱۳۳۳)

۱. ایشان در مقدمه جلد اول مستدرکات علم الرجال، مباحث مبسوطی در اثبات اعتبار کتب اربعه دارد. (ص ۶۹-۱۹)
۲. ایشان کتابی مستقل در همین موضوع نوشته با عنوان «الأعلام الهادية الرفيعة باعتبار الكتب الأربعية» که توسط انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ و منتشر است. تلخیص و ترجمه فارسی آن در قالب یک مقاله، در سفینه شماره ۲، ص ۸۰-۱۰۸ آمده است.

امام خمینی (۱۴۱۰-۱۳۲۰)

كتاب البيع امام خمینی، ص ۴۶۸:

مرسلات الصدق علی قسمین: أحدهما ما أرسّل و نسب إلى المعصوم عليه السلام بنحو الجزم كقوله: قال أمير المؤمنين عليه السلام كذا. و ثانيهما ما قال: روی عن عليه السلام مثلاً. والأول من المراسيل المعتمدة المقبولة.

[ شبیه عبارت وحید بهبهانی در مصایب الظلام، ج ۸، ص ۱۶۵. و مع ذلك قال: قال أمیر المؤمنین عليه السلام، ولم يقل: روی عن أمیر المؤمنین عليه السلام]

آیت الله سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳-۱۳۱۷)

۱- در مورد فرمان أمیر المؤمنین عليه السلام به مالک اشتر می‌نویسد: و العهد، و إن نقل مرسلاً إلّا آثار الصدق منه لائحة. (مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۶۸)

۲. ضعيفة السنّد... إلّا أنّ تلك التعليّلات... تعليّلات صحيحة، فلا بأس بالتمسّك بها. (همان، ص ۴۳۶)

۳. ... ومن البديهي أنّ الصحيفة [السجّادية] وصلت إلينا بسنّد معتبر. (همان، ص ۴۳۶)

۴. در مواضع مكرر، با وجود ضعف سنّد حديث، حكم بر صحّت متن حديث می‌کند. (همان، پاورقی ص ۲۵۱، و متن ص ۲۶۸ و ۴۳۶)

۵. استناد به جملاتی از زیارت جامعه کبیره واستخراج حکم فقهی از آن. (همان، ص ۳۲۳)

سید احمد روضاتی (معاصر)

صدور ادعية الصحيفة الكاملة السجّادية المعروفة - وهي التي بين يديك - من إنشاء الإمام السجاد زین العابدین علی بن الحسین عليه السلام، مما لا شك فيه ولا شبهة تعيّره، لكونها مشتملة على حقائق المعرفة والحكمة. وفيها عبة من كلام النبوة و



قبس من نور مشكاة الإمامة. فهي كالصحف الإلهية السماوية. ولذا عبروا عنه تارة بزبور آل محمد وأخرى بإنجيل أهل البيت وثالثة بأخت القرآن، تجاه نهج البلاغة الذي هو أخ القرآن، لأن القرآن هو كتاب نازل، وهذه الصحيفة والأدعية قرآن صاعد.

فقد توادر نقل الصحيفة الكاملة عن سيد الساجدين عليهما السلام. ولذا استدل بها فقهاؤنا الأكابر وأعاظم المجتهدين، أمثال صاحب الجواهر في مقام الاستنباط، كما في صلاة الجمعة.

فتواتر الصحيفة الكاملة مغنى عن ذكر إسنادها مع أن الطرق إلى روایتها كثيرة... وبالجملة توادر الطرق وقمة دلالة المتن على صدوره عن المعصوم عليهما السلام يغنينا عن الإطالة في المقام. وقد بسطنا الكلام حولها في كتابنا «المستدركات على روضات الجنات».

(مقدمة ايشان برنسخة چاپ عکسی صحيفة سجادیه به خط میر ابوالقاسم كبير، بنگرید: سفینه، شماره ۷، ص ۱۸۷-۱۸۹)